

مبحث چهارم: منشأ شناسی تعارض ادله و گسست تعارض از توهم تعارض

پدیده تعارض اسناد شرعی با یکدیگر در تراث دینی ما. مثل تراث دیگران. قابل انکار نیست؛ تا جایی که - نابحق - موجب طعن طاعنان واقع شده است و (به تبع روایات) برخی از صاحبان دغدغه¹ را واداشته تا به یکی از دو رفتار ذیل دست بزنند:

1. با جمع بین اسناد و توجیه دو طرف یا یک طرف تعارض، مورد را از تعارض خارج سازند؛
2. ضابطه ای را برای تعامل با متعارضین با فرض بقای تعارض بیان کنند.

رفتار دوم، کاری است که در تعارض ادله و با عنوان نه چندان دقیق «تعاذل و ترجیح» به منصفه ظهور رسیده است و رفتار اول، حرکتی است که در قالب «الجمع مهما ممکن اولی من الطرح» عینیت یافته است.²

با این همه «منشأ شناسی تعارض ادله» کمتر مورد توجه قرار گرفته است، کاری که همراه با رصد تعیینات آن، به غایت ضرور می نماید. از ثمرات برجسته این کار، خروج بسیاری از تعارض نماها از این بخش و دخول آن در غیر تعارض است و البته در مواردی هم، تعارض همچنان پابرجا می ماند. شیخ انصاری در اشارتی کوتاه به این مبحث کارا می فرماید: «ان عمدة الاختلاف (بین اخبار) انما هی كثرة ارادة خلاف الظواهر فی الاخبار اما بقرائن متصلة اختفت علینا من جهة تقطیع الاخبار او نقلها بالمعنی او منفصلة مختفية من جهة كونها حالیه معلومة للمخاطبین او مقالیه اختفت بالانطماس و اما بغير القرینة لمصلحة یراه الامام - علیه السلام - من تقیة علی ما اخترناه...»³

مطابق این بیان اختفای قرائن و مصلحتی چون تقیه باعث می شود تا ظهور ثانوی تعیین یافته اخبار مراد معصوم - علیه السلام - نباشد و تعارض اخبار پیش آید. مرحوم سید محمد باقر صدر در بحثی با عنوان «کیف نشأ التعارض فی الادلة الشرعیة» به هشت منشأ اشاره می کند، بدین قرار: جانب ذاتی تعارض؛ تغیر احکام الشریعة عن طریق النسخ؛ ضیاع القرائن؛ تصرف الرواة و النقل بالمعنی؛ التدرج فی البیان؛ التقیة؛ ملاحظه ظروف الراوی؛ الدس و التزویر.⁴

مورد اول را این گونه توضیح می دهد:

« کثیراً ما لا یكون بین النصین المدعی تعارضهما اى تناف فی الواقع، و لكن الفقیه الممارس لعملیه الاستنباط قد یترائی له التناقض بینهما علی اساس الإطار الذهنی یعیشه و یتأثر به فی مجال فهم النص فیخطیء فی تشخیص معنی النص إما لجهله باللغة و عدم اطلاعه علی دقائقها، أو لغفلته عن وجود بعض القرائن، أو قرینة الموجود منها، أو لعدم معرفته بطرق تغییر فی بعض الاوضاع اللغویة. فهو یفهم النص فی ضوء ما یراه معنی له بالفعل، ثم یفترض

¹ از قبیل شیخ طوسی. دیده شود مقدمه تهذیب الاحکام از مولف محترم.

² مبحث پنجم به گفتگو از این قاعده اختصاص یافته است.

³ فرائد الاصول، ج 3، ص 130.

⁴ بحوث فی علم الاصول، ج 7، صص 28. 41.

أنه كان معنى اللفظ في زمان صدور النص أيضا و لو من جهة أصالة عدم النقل و الثبات العقلانية فكل واحد من هذه العوامل قد يسبب وقوع التعارض فيما بين النصوص لدى الفقيه الممارس لعملية الاستنباط، ولكنه تعارض ذاتي و ليس تعارضاً موضوعياً ثابتاً في واقع الامر»⁵.

مطابق توضیح فوق، مورد توضیح را باید از موارد «توهم تعارض» فرض کرد و عنوان «تعارض ذاتی» یا «الجانب الذاتی للتعارض» برای ما مفهوم نیست! واضح است که برخی از این عوامل چون پدیده نسخ، در مورد نصوص صادر از پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - مصداق دارد و شامل نصوص صادر از امامان معصوم - علیهم السلام - نمی شود.

این تذکر مورد تصریح جناب صدر نیز واقع شده است⁶. برخی از فضلا⁷ در کاری شایسته تحسین در کتابی با عنوان «اسباب اختلاف الحدیث»⁸ به هشتاد سبب با قرار دادن آن ها در پنج بخش اشاره می کند. بخش های 5 گانه عبارت است از: عوارض التحدیث؛ مقتضیات محیط التشریح و التقنین؛ مقتضیات اسالیب التعبير؛ مقتضیات التفریط؛ خصائص حقل التفسیر. البته نمی توان از کار مزبور در قسیم قرار دادن موارد مقابل یکدیگر، دفاع مطلق داشت؛ لکن کار، به ویژه تطبیقاتی که در کتاب صورت گرفته است، کار ارزشمندی است. قابل ذکر این که اسباب تعارض، منحصر در موارد مذکور در کتاب نیست و می توان به برخی تعینات دیگر هم اشاره کرد - که ما در کتاب ندیدیم - و از قضا بسیار قابل توجه است.

⁵. همان، ص 29.

⁶. همان، ص 30.

⁷. محمد احسانی فر لنگرودی.

⁸. انتشارات دار الحدیث، طبع دوم، 1386 ش.